

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## ترجمه و حل تمرینات عربی یازدهم تجربی و ریاضی

### الدرس الاول

#### از آیه های اخلاق

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی (از مردان)، گروهی دیگر را مسخره کنند (شاید) آن مسخره شده ها (بهتر از آنها باشند. و نباید زنانی، زنانی دیگر را) مسخره کنند (شاید) آن مسخره شده ها (بهتر از آنها باشند).

و از خودتان عیبجویی نکنید و به یکدیگر لقب های زشت ندهید. بداست پس از ایمان آوردن نام فاسق (بر کسی نهادن). و هرکس توبه نکند پس آنان همان ستمکارانند.

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید همانا بعضی از گمان ها گناه است. و تجسس نکنید و نباید بعضی از شما غیبت بعضی کند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است بخورد. البته از آن متنفرید (بیزارید) و از خدا پروا کنید که خداوند بسیار توبه پذیرمهربان است. شاید در بین مردم کسی باشد که از ما بهتر است. پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب های دیگران را با سخن پنهانی یا با اشاره ای بیان نکنیم. امیرمؤمنان (علی) ع (فرموده است: بزرگترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در توست) برای دیگران (عیب بشماری).

آیه اول به ما پندمی دهد و می گوید: از دیگران عیبجویی نکنید. و آنها را با لقب هایی که آن را ناپسندمی دارند، لقب ندهید. چه بد کاری است آلوده شدن به گناه. و هرکس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

بنابراین خداوند متعال در این دو آیه حرام کرده است:

- ۱ دیگران را مسخره کردن، و آنها را با نام های زشت نامیدن. -
  - ۲ بدگمانی را، و آن تهمت زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی است. -
  - ۳ تجسس کردن را، و آن تلاشی زشت برای آشکار کردن رازهای مردم بخاطر رسوا کردنشان است. و آن از گناهان بزرگ و از اخلاق بد در مکتب ماست.
  - ۴ و غیبت کردن را، و آن از مهمترین علت های قطع ارتباط بین مردم است. -
- بعضی از مفسران سوره ی حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره ی اخلاق نامیدند

## عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ:

- ۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ.....
- ۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطَّ.....
- ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.....
- ۴- إِنَّ اللَّهَ يُنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْخَرِينِ.....
- ۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْخَرِينِ أَمْرٌ جَمِيلٌ.....

۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. **غلط است**

ترجمه: برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَ الْغَيْبَةَ فَقَطَّ. **غلط است**

ترجمه: خداوند در این دو آیه فقط مسخره کردن و غیبت کردن را حرام کرد.

۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ. **درست است**

ترجمه: غیبت این است که تو برادر و خواهرت را یاد کنی به آنچه که آنها را ناراحت می کند (از آن بدشان می آید)

۴- إِنَّ اللَّهَ يُنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْخَرِينِ. **درست است**

ترجمه: قطعاً خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران بر حذر می دارد

۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْخَرِينِ أَمْرٌ جَمِيلٌ. **غلط است**

ترجمه: تلاش برای آگاهی از اسرار دیگران کاری زیباست

## إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطَاً تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ..

ترجمه: داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.

**أَعْلَمُ: اسم تفضیل (داناترین)**

۲- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ:

ترجمه: محبوبترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان نسبت به بندگانش است.

**أَحَبُّ: اسم تفضیل (محبوبترین)**

**أَنْفَعُ: اسم تفضیل (سودمندترین)**

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ:

ترجمه: بهترین کارها کسب حلال است

افضل: اسم تفضیل (بهترین)

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ

۱- رَبَّنَا أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ:

ترجمه: پروردگارا ایمان آوردیم بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که] تو بهترین رحم کنندگانی

خیر: اسم تفضیل (بهترین)

۲- خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ عيوبكم:

ترجمه: بهترین برادران شما کسی است که عیبهایتان را به شما هدیه کند

۳- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ:

ترجمه: بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم از شر آنچه آفرید.

۴- لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ:

ترجمه: شب قدر بهتر از هزار ماه است

۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرُّ مِنَ الْبَهَائِمِ:

ترجمه: هر کسی که شهوت او بر عقلش غلبه نماید او از حیوانات بدتر است

۶- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينَ:

ترجمه: بدترین مردم دورویان هستند

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَةَ. وَ الْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱- وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ:

ترجمه: و با آنها به روشی که نیکوتر است مجادله (ستیز) کن پروردگارت به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانایتر است

أحسن: اسم تفضیل: نیکوتر، خوبتر

أعلم: اسم تفضیل: دانایتر

۲- كَانَتْ مَكْتَبَةُ جَنْدِي سَابُورٍ فِي خَوْزِسْتَانَ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ:

ترجمه: کتابخانه جندی شاپور در خوزستان بزرگترین کتابخانه در جهان قدیم بود.

مکتبه: اسم مکان: کتابخانه

أكبر: اسم تفضیل: بزرگترین

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید

(در بازار مشهد)

زائر عرب	لباس فروش
سلام علیکم ( درود بر شما )	علیکم السلام ( درود بر شما ) ، خوش آمدید .
قیمت این پیراهن مردانه چقدر هست ؟	شصت هزار تومان .
ارزانتتر از این میخواهم . این قیمت ها گران(بالا) است .	قیمت پنجاه هزار تومان داریم . بفرما نگاه کن .
چه رنگی دارید ؟	سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش .
این پیراهن های زنانه چند تومان هست ؟	قیمت ها از هفتادوپنج هزار شروع می شود تا هشتادوپنج هزار تومان .
قیمت ها گران هست (بالاست) !	خاتم ، قیمت بر حسب جنس مختلف است .
این شلوارها چند تومان هست ؟	شلوار مردانه نود هزار تومان ، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان .
شلوارهایی بهتر از اینها می خواهم .	آن مغازه ی همکارم هست ، شلوارهای بهتری دارد .
در مغازه ی همکارش	
لطفا ، یک شلوار از این جنس به من بده و ...	مبلغ دویست و سی هزار تومان شد .
مبلغ چقدر شد ؟	بعد از تخفیف به من دویست و بیست هزار بده .

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- 1 جَعَلَهُ حَرَامًا : ..... ❖ آن را حرام گرانید. ▲ (حَرَمٌ)
- 2 الَّذِي لَيْسَ حَيًّا : ..... ❖ کسی که زنده نیست ▲ (مَيِّتٌ)
- 3 الذُّنُوبُ الْكُبْرَى : ..... ❖ گناهان بزرگ ▲ (كَبَائِرٌ)
- 4 الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ : ..... ❖ کسی که توبه را از بندگان می پذیرد.. ▲ (تَوَابٌ)
- 5 تَسْمِيَةُ الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ : ..... ❖ نامیدن دیگران با اسم های زشت. ▲ (تَنَابُزٌ بِالْأَلْقَابِ).
- 6 ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخِرِينَ فِي غِيَابِهِمْ : ..... ❖ ذکر کرد آنچه را که دیگران در نبودشان به آن راضی نیستند ( نمی باشند) ▲ (إِغْتَابٌ)

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرَجِّمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱) حَسُنُ الْخُلُقِ نَصْفُ الدِّينِ .

☞ خوش اخلاقی نصف دین است .

▲ مبتدا : حسن

▲ خبر : نصف

۲) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ

☞ هرکس اخلاقش بد شود ، خودش را عذاب می دهد .

▲ مفعول : نفس

۳) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ .

☞ تنها برای این که ارزشهای اخلاق را کامل کنم ، برانگیخته شدم

▲ فعل ماضی مجهول : بعثت

▲ مفعول : مکارم

۴) اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي ، فَحَسِّنْ خُلُقِي .

☞ خدایا همانطور که آفرینشتم را نیکو کردی ، اخلاقم را نیکو گردان ..

▲ فعل ماضی : حسنت

▲ فعل امر : حسن

۵) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ ..

☞ چیزی در ترازوی (اعمال) از اخلاق نیکو ، سنگین تر نیست .

▲ اسم تفضیل : أثقل

▲ جار و مجرور : فی المیزان ، من الخلق

## التمرين الثالث: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الدرس الثاني	التمرين الثالث	ترجم الأفعال و المصادر التالية
قَدْ أَحْسَنَ	يُحْسِنُ	أَحْسِنُ
نیکی کرده است	نیکی می کند	نیکی کن
إِقْتَرَبَ	يَقْتَرِبُونَ	لا تَقْتَرِبُوا
نزدیک شد	نزدیک می شوند	نزدیک نشوید
إِنْكَسَرَ	سَيِنْكَسِرُ	لا تَنْكَسِرْ
شکسته شد	شکسته خواهد شد	شکسته نشو
إِسْتَفْعَرَ	يَسْتَفْعِرُ	إِسْتَفْعِرْ
آمزش خواست	آمزش می خواهد	آمزش بخواه

الدرس الأول	التمرين الثالث	ترجم الأفعال و المصادر التالية
مَاسَافَرْتُ	لَا يُسَافِرُ	مُسَافِرَةٌ
سفر نکردم	سفر نمی کند	سفر کردن
تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمَانِ	تَعَلَّمَ
یاد گرفت	یاد می گیرند	یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ	تَتَبَادَلُونَ	لا تَبَادَلُوا
عوض کردید	عوض می کنید	عوض نکنید
قَدْ عَلَّمَ	سَوْفَ يُعَلِّمُ	عَلِّمْ
آمزش داده است	آمزش خواهد داد	آمزش بده

## التمرين الرابع: اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ:

حل تمرين چهارم ( التمرين الرابع )

$$۱۰+۴=۱۴$$

( ۱ ) عشرة زائدة أربعة يساوى اربعة عشر .

ده به علاوه چهار مساوى چهارده است .

$$۱۰۰ \div ۲ = ۵۰$$

( ۲ ) مئة تقسيم على اثنین يساوى خمسين .

صد تقسیم بر دو مساوی پنجاه است .

٣) ثمانية في ثلاثة يساوي أربعة و عشرين .  $8 \times 3 = 24$

هشت ضرب در سه مساوی بیست و چهار است .

٤) ستة و سبعون ناقص أحد عشر يساوي خمسة و ستين .  $76 - 11 = 65$

هفتاد و شش منهای یازده مساوی شصت و پنج است .

## الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْأَعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةِ.

١) فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُكُونَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ .

ترجمه : پس خداوند آرامشش را بر فرستاده اش و بر مومنان نازل کرد .

سُكُونَتٌ : مفعول و منصوب

رسول : مجرور به حرف جر

٢) لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا .

ترجمه : خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد .

اللَّهُ : فاعل و مرفوع / نَفْسًا : مفعول و منصوب .

٣) السُّكُوتُ دَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ .

ترجمه : سکوت کردن طلا هست و سخن گفتن نقره هست .

الْكَلَامُ : مبتدا و مرفوع / فِضَّةٌ : خبر و مرفوع

٤) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ .

ترجمه : محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگانش است .

أَحَبُّ : مبتدا و مرفوع / عِبَادِ اللَّهِ مضاف إليه و مجرور

اللَّهُ : مجرور به حرف جر / أَنْفَعُ : خبر و مرفوع

٥) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ .

دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان هست .

عَدَاوَةٌ : مبتدا و مرفوع

خَيْرٌ : خبر و مرفوع

صَدَاقَةٌ : مجرور به حرف جر

## الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ مُبَالِغَةٍ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱- پرودگار مشرق(شرق) و مغرب(غرب)

مشرق و مغرب: اسم مکان

۲- ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد

المحسنین: اسم فاعل

۳- ای مهربانترین مهربانان

الراحمین: اسم فاعل

۴- ای پوشاننده هر عیبی

ساتر: اسم فاعل

۵- ای بسیار امرزنده گناهان

غفار: اسم مبالغه

## الدَّرْسُ الثَّانِي

### ترجمه مدل ۱

#### في مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ فِي مَكْتَبِهِ

في الحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّالِبُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلِمِ مُدَرِّسِ الْكِيمِيَاءِ، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلٌ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطَّلِبَ بِسُلُوكِهِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمَسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبُورَةِ.

در زنگ اول، دانش آموزان به سخنان معلم شیمی گوش می دادند، در بین آنها دانش آموزی آشوبگر و کم ادبی بود، با رفتارش به دانش آموزان ضرر میرساند، گاه به پشت سر خود روی بر می گرداند و با کسیکه پشت سرش بود صحبت می کرد و گاه هنگامی که معلم روی تخته سیاه می نوشت، با کسی که در کنارش می نشست آهسته سخن می گفت.

وَفِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ الْمُعَلِّمَ عِلْمَ الْأَحْيَاءِ تَعَنَّتْ أ؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛ فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَقَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَ عَلَى سُلُوكِهِ.

و در زنگ دوم، دانش آموز برای میچ گیری، از معلم زیست شناسی سوال می کرد؛ و در زنگ سوم با همکلاسی شبیه خود صحبت می کرد و می خندید؛ معلم او را نصیحت کرد و گفت: هرکس خوب به درس گوش ندهد در امتحان مردود می شود. اما دانش آموز به رفتارش ادامه داد.



فَكَرَّ مَهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمُشْكِلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَشَرَحَ لَهُ الْقَضِيَةَ وَقَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ  
إِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانٍ " فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ"; فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ وَقَالَ لَهُ:

مهران پیرامون این مشکل اندیشید، پس نزد معلم ادبیات فارسی رفت و موضوع را برایش توضیح داد و  
گفت: دوست دارم انشائی با عنوان "در پیشگاه معلم" بنویسم؛ پس معلم با درخواستش موافقت کرد و به  
او گفت:

إِنْ تُطَالَعِ كِتَابَ "مُنِيَةِ الْمُرِيدِ" لِزَيْنِ الْإِدِينِ الْعَامِلِ أَيْ "الشَّهِيدِ الثَّانِي" يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنْشَائِكَ; ثُمَّ  
كَتَبَ مَهْرَانُ إِنْشَاءً وَأَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ: إِنْ تَقَرَّرَ إِنْشَاءُكَ أَمَامَ الطُّلُبِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهَ زَمِيلُكَ  
الْمُشَاغِبُ.

اگر کتاب "منیة المرید" از زین ال ادین العاملی "شہید ثانی" را مطالعه کنی، تو رادر نوشتن انشایت  
کمک می کند، سپس مهران انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد. معلم به او گفت: اگر انشایت  
در برابر دانش آموزان بخوانی، همکسی آشوبگرت متوجه خواهد شد.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنْشَائِهِ:

واین بخشی از متن انشاء اوست:

...أَلَّفَ عَدَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتُبَ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَالتَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَالْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ;  
وَلِلطَّالِبِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ; أَهْمُهَا:

...تعدادی از دانشمندان، کتابهایی در زمینه های آموزش و پرورش تألیف کردند، برخی از آنها به معلم  
و برخی دیگر به دانش آموز مربوط می شود؛ قطعاً برای دانش آموز در پیشگاه معلم آدابی وجود دارد،  
که هرکسبه آن پایبند باشد؛ موفق می شود؛ مهمترین آنها:

۱- أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ. از فرمان های معلم سرپیچی نکند.

۲. الْأَجْتِنَابُ عَنِ كَلِمٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلدِّينِ. دوری کردن از سخنی که در آن بی ادبی باشد.

۳. أَنْ لَا يَهْزُبَ مِنْ أَدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ. از انجام تکالیف مدرسه فرار نکند.

۴. عَدَمُ النُّومِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. هنگام درس دادن معلم، در کلاس نخوابد.

۵. أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلُبِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. هنگامی که معلم می دهد با دیگر دانش آموزان  
صحبت نکند.

۶. أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلِمَةً، وَلَا يَسْبِقَهُ بِالْكَلِمِ، وَيَصْبِرَ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْكَلِمِ.

سخنش را قطع نکند، و در سخن از او پیشی نگیرد، و صبر کند تا از سخن گفتن فارغ شود.

۷. الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَالِاسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدَقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِالِضَّرُورَةِ.

با ادب در برابر او نشستن، و با دقت به سخنانش گوش دادن، و روی بر نگرداندن به پشت سر مگر هنگام  
ناچاری.

لَا مَا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبُ إِنْشَاءً مَهْرَانُ، نَدِمَ وَ حَجَلَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

وقتی دانش آموز آشوبگر، انشای مهران را شنید، پشیمان شد و از رفتارش در کلاس خجالت کشید.

قال ال شاعرُ المصريُّ، أحمدُ شوقي عن المُعَلِّمِ : شاعر مصري درباره معلم گفت:

فَمَ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّجْبِيلَ لِلْمُعَلِّمِ بِرَحْمَةٍ وَاحْتِرَامٍ رَافِعٍ كَمَا كَانَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ

كَأَنَّ الْمُعَلِّمَ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا نَزْدِيكًا بُوَدَّ مُعَلِّمًا (چون) پیامبر باشد

أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذِي آيَا فَهْمِي (که او) بزرگوارتر و گرانقدرتر از کسی است که

ببینی و بنشینم آنفسه او عقولاً می سازد و جانها و خردها را پرورش می داد

## اُكْتُبْ جَوَابًا قَصِيرًا، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱) إلى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

✦ ترجمه : مهران نزد چه کسی رفت ؟

▲ ذَهَبَ مِهْرَانُ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

▲ مهران نزد معلم ادبیات فارسی رفت.

۲) كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ

✦ نشستن جلوی معلم چگونه باید باشد ؟

▲ عَلَى التَّمْيِيزِ أَنْ يَجْلِسَ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ بِأَدَبٍ

▲ دانش آموز باید در مقابل معلم با ادب بنشیند.

۳) كَيْفَ أَخْلَاقُ الطَّلَبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَقَتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟

✦ اخلاق (رفتار) دانش آموزی که به عقب رو برمی گرداند چگونه بود؟

▲ كَانَ طَالِبًا مُشَاغِبًا وَ قَلِيلُ الْأَدَبِ

▲ دانش آموز شلوغ و بی ادبی بود.

۴) مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ

✦ نام کتابی که مهران آن را در زمینه پرورش و آموزش خواند چیست؟

▲ كِتَابُ "مُنِيَةِ الْمُرِيدِ لِزَيْدِ الدِّينِ عَامِلِي" الشَّهِيدِ الثَّانِي

▲ کتاب منیه المرید زین الدین عاملی شهید دوم

۵) فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمْعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟

✦ در کدام زنگ دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند؟

▲ في الحصة الأولى كان الطلاب يستمعون الي كلام أستاذ الكيمياء

▲ در زنگ اول دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند .

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ، وَ جَوَابَهُ..

الدرس الثاني

#عربي\_مشترك\_يازدهم

#اختبرنفسك

ارسالي خانم رسولي

♦ ترجمه آیات ثم عین أداة الشرط و فعل الشرط و جوابه :

1 وما تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ

♦ ترجمه : و هرچه از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خدا می یابید

▲ ما : أداة الشرط

▲ تقدّموا : فعل الشرط

▲ تجدوا : جواب الشرط

2 إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُعِزِّتْ أَقْدَامَكُمْ :

♦ ترجمه : اگر خدا را یاری کنید (خدا) شما را یاری می کند و قدمهایتان را استوار می سازد.

▲ إِنْ : أداة الشرط

▲ تنصروا: فعل الشرط

▲ ينصركم : جواب الشرط

3 و إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا :

♦ ترجمه : و اگر افراد نادان آنها را خطاب کنند سخن آرام می گویند.

♦ ترجمه لفظی : و اگر افراد نادان آنها را خطاب کردند سخن آرام گفتند

▲ إِذَا : أداة الشرط

▲ خاطب: فعل الشرط

▲ قالوا : جواب الشرط

#درس ۲\_اختبرنفسك

21:24

## التَّامِرِينَ الْأَوَّلُ: عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ √x

#الدَّرْسُ الثَّانِي  
#عربي-مشارك-يازدهم  
#التَّامِرِينَ الْأَوَّلُ

ارسالی خانم صادقیان 🌱

◆ أَكْتُبُ جَوَاباً حَسَبَ النَّصِّ الدَّرْسِ

1 التَّعْنَتُ طَرَحُ سَوَالٍ صَغْبٍ يَهْدَفُ إِجَادِ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْئُولِ

◆ ترجمه :

مچ گیری طرح سوال سخت به هدف ایجاد مشقت برای سوال شونده است.

👉 درست

2 عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مَطَالَعَةُ خَوَاصِ الْعُنَاصِرِ

◆ ترجمه :

زیست شناسی دانش مطالعه ویژگیهای مواد است.

👉 غلط

3 الْإِلْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ خَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ .

◆ ترجمه :

التفات همان سخن پنهانی بین دو نفر است.

👉 غلط

4 الْأَسْبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطُّلَابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ

◆ ترجمه :

تخته سیاه تابلویی در مقابل دانش آموزان است که بر آن نوشته می شود.

👉 درست

21:38 ✓

## التَّامِرِينَ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْآيَةَ. وَ الْأَحَادِيثَ وَعَيْنِ فِعْلِ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

□ ۱ و مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ .

◆ ترجمه : و هر آنچه از خیر و نیکی انفاق کنید مسلماً خداوند به آن آگاه است .

▲ ما : اداة شرط

▲ تنفقوا : فعل شرط

▲ فإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ : جواب شرط

○▲ خَيْرٌ : مجرور به حرف جر

▲ مَنْ خَيْرٍ : جار و مجرور.

□ ۲ مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ .

◆ هر کس دانشی را یاد دهد پس او پاداش کسی را دارد که به آن عمل می کند و از پاداش عمل کننده کم نمی شود .

▲ مَنْ : اداة شرط

▲ عَلَّمَ : فعل شرط

▲ فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ : جواب شرط

▲ الْعَامِلِ : اسم فاعل

□ ۳ النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا .

◆ مردم دشمن چیزی هستند که ندانستند (نمی دانند).

▲ أَعْدَاءُ : جمع مکسر

▲ مفرد آن : عَدُوٌّ

□ ۴ إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَّصَ الْكَلَامُ .

◆ هر گاه عقل کامل شود سخن کم می شود.

▲ إِذَا : اداة شرط

▲ تَمَّ : فعل شرط

▲ نَقَّصَ : جواب شرط ▲ الْعَقْلُ : فاعل

▲ الْكَلَامُ : فاعل

□ ۵ الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا .

◆ دانشمند زنده است و اگر چه مُرده باشد.

▲ الْعَالِمُ : مبتدا و مرفوع

▲ حَى : خبر و مرفوع

﴿ ٦ ﴾ قَمَّ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا .

◆ از جاییت به خاطر پدرت و معلمت برخیز اگر چه فرمانده باشی . . ▲ مجلس : اسم

مکان

▲ معَلِّم : اسم فاعل

## الْتَّمِرِينَ الثَّلَاثُ : تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

پارسالی آقای سکاکی

تمرین سوم درس دوم (صفحه ی 22 عربی بازدهم عمومی)

الماضی	المضارع	الأمر و النهی	المصدر
قَدَانَقَدَ : نجات داده است	يَنْقُدُ : نجات می دهد	انْقُدْ : نجات بده	الإنقاذ : نجات دادن
إِبْتَعَدَ : دور شد	لا يَبْتَعِدُ : دور نمی شود	لا تَبْتَعِدْ : دور مشو	الابتعاد : دور شدن
إِنْتَخَبَ : عقب نشینی کرد	سَيَنْتَجِبُ : عقب نشینی خواهد کرد	لا تَنْتَجِبْ : عقب نشینی نکن	الإنسحاب : عقب نشینی کردن
إِسْتَخَذَ : به کار گرفت	يَسْتَخِذُ : به کار می گیرد	إِسْتَحِمْ : به کار بگیر	الاستخدام : به کار گرفتن
جَالَسَ : همنشینی کرد	يُجَالِسُ : همنشینی می کند	جَالِسْ : همنشینی کن	المُجَالَسَةُ : همنشینی کردن
تَدَخَّرَ : به باد آورد	يَتَدَخَّرُ : به باد می آورد	لا تَتَدَخَّرْ : به باد مياور	التَّدَخُّرُ : به باد آوردن
تَعَايَشَ : همزیستی کرد	يَتَعَايَشُ : همزیستی می کند	تَعَايَشْ : همزیستی کن	التعایش : همزیستی کردن
قَدَّ حَرَّمَ : حرام کرده است	يُحَرِّمُ : حرام می کند	لا تُحَرِّمْ : حرام نکن	التَّحْرِيمُ : حرام کردن

## التمرين الرابع: ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب.

#الدرس\_الثاني  
#التمرين\_الرابع  
#عربي\_مشترك\_يازدهم

ارسالي خانم ميرزايي

ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب .

هؤلاء ناجحات / هذان المكيفان / تلك الجصة /  
أولئك مستمعون / هؤلاء جنود / هاتان البطاقتان /

مفرد مؤنث : تلك الجصة  
آن زنگ

مثنى مذكر : هذان المكيفان  
اين ، دو كولر (اين كولر ها)

مثنى مؤنث : هاتان البطاقتان  
اين دو كارت (اين كارت ها )

جمع مذكر سالم : أولئك مستمعون  
أنها شنونده اند

جمع مؤنث سالم : هؤلاء ناجحات  
اين ها موفق هستند

جمع مكسر : هؤلاء جنود  
اين ها سربازند

ویرایش شده 23:07

## التمرين الخامس: ضع المتادفات و المتضادات في مكانها المناسب ( = ≠ )



#الدرس-الثانى  
#التمرین\_الخامس  
#عربى\_مشارك\_يازدهم

ارسالی خانم میرزایی 

◆ ضع المترادفات و المتضادات في مكانها المناسب .

◆ وُد / بَعْدَ / تَكَلَّمَ / إَجْلِسْ / نِهَايَةَ / عَدَاوَةَ /  
◆ إِحْتِرَامَ / أَحْيَاءَ / مَرَّةً / نَفَعَ / ذُنْبَ / هَرَبَ /

◆ اِثْمٌ = ذُنْبٌ : گناه  
◆ تَبَجِيلٌ = إِحْتِرَامٌ ، بزرگداشت  
◆ تَارَةً = مَرَّةً : یکبار (گاهی)  
◆ حُبٌّ = وُدٌ : عشق  
◆ فَرٌّ = هَرَبٌ : فرار کرد (گریخت)



◆ أَمْوَاتٌ ≠ أَحْيَاءٌ (مردگان ≠ زندگان)  
◆ دَنَا ≠ بَعْدَ (نزدیک شد ≠ دور شد)  
◆ قَمٌ ≠ إَجْلِسْ (برخیز ≠ بنشین)  
◆ صَرٌّ ≠ نَفَعَ (ضررکرد ≠ منفعت کرد)  
◆ بَدَايَةَ ≠ نِهَايَةَ (ابتدا ≠ پایان)  
◆ سَكَّتَ ≠ تَكَلَّمَ (سکوت کرد ≠ صحبت کرد)  
◆ صَدَاقَةٌ ≠ عَدَاوَةٌ (دوستی ≠ دشمنی)

23:27 ✓



## التَّمَرِينُ السَّادِسُ: أَكْمَلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْحَادِيثِ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

#الدرس\_الثاني

#عربي\_مشترك\_بازدهم

#التمرين\_السادس

♦ أَكْمَلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْحَادِيثِ ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ .

1 و ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ .

ترجمه :

و آنچه از کار خیر ... (انجام دهید) ، خدا آن را می داند .

▲ ما : أداة شرط

▲ تَفْعَلُوا : فعل شرط

▲ يَعْلَمُ : جواب شرط

2 إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ .

ترجمه :

اگر نیکی کنید ، به خودتان ... (نیکی کردید)

▲ مِنْ : أداة شرط

▲ أَحْسَنْتُمْ : فعل شرط

▲ أَحْسَنْتُمْ : جواب شرط

3 إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا .

ترجمه :

اگر از خدا پروا کنید ، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل ...

(قرار می دهد)

▲ إِنْ : أداة شرط

▲ تَتَّقُوا : فعل شرط

▲ يَجْعَلُ : جواب شرط

4 مَنْ سَأَلَ فِي صَعْرِهِ ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ .

ترجمه :

هر کس در خردسالی اش بپرسد ، در بزرگسالی اش ...

(جواب دهد)

▲ مَنْ : أداة شرط

▲ سَأَلَ : فعل شرط

▲ أَجَابَ : جواب شرط

## الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

### شگفتیهای درختان

پدیده های طبیعت یک حقیقت را اثبات می کنند و آن قدرت خداست. و اکنون بعضی از این پدیده ها را توصیف می کنیم:

انگور برزلی درختی است که با بقیه درختان جهان تفاوت دارد، در برزلی می روید، و میوه های آن روی تنه اش رشد می کند و از مهم ترین ویژگی های این درخت اینست که در طول سال میوه می دهد.

درخت سکویا درختی از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا است، گاهی بلندی بعضی از آنها به بیش از ۱۰۰ متر می رسد و گاهی قطر آن بالغ بر ۹ متر می شود، و عمرش تقریباً افزون بر ۳۵۰۰ سال می شود.

درخت خفه کننده درختی است که در بعضی از جنگلهای استوایی رشد می کند، زندگی اش را با پیچیدن دور تنه و شاخه ی درختی آغاز می کند، سپس به تدریج آن را خفه می کند. نوعی از آن در جزیره ی قشم وجود دارد که در استان هرمزگان واقع است .

درخت نان درختی استوایی است که در جزایر اقیانوس آرام رشد می کند، و در انتهای شاخه هایش میوه هایمئل نان دارد. مردم مغز این میوه ها را می خورند.

درخت نفت درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور مزرعه ها برای حفاظت محصولاتشان از حیوانات به کار می گیرند. زیرا بوی این درخت بد و ناخوشایند است که حیوانات از آن فرار می کنند، و دانه هایش مقداری روغن دربردارد که سوختن آن ها باعث خارج شدن هیچ نوع از گازهای آلوده کننده نمی شود. و تولید نفت از آن امکان دارد (ممکن است). و یک نوع از آن به اسم درختِ مداد در شهر نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد.

درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی ۲۰۰۰ سال عمر می کند. جنگل های زیبایی از آن در استان ایلام و استان لرستان وجود دارد. سنجاب بعضی از دانه های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می کند، و گاهی جایش را فراموش می کند. و در سال آینده آن دانه بلوط رشد می کند و درختی می شود. کشاورزی کنید و نهال بکارید ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- تَبَدَّأَ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَهُ حَيَاتَهَا بِالِإِلْتِفَافِ ..... حَوْلَ جَذْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا.  
درخت خفه کننده زندگیش را با پیچیدن به دور تنه یک درخت و شاخه هایش شروع می کند.
- ۲- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَ زُبُوتِ شَجَرَةِ النَّفِطِ خُرُوجَ أَيِّ ..... غَازَاتٍ ..... مُلَوَّثَةٍ.  
آتش گرفتن روغن های درخت نفت موجب خروج هیچ نوع گاز آلوده کننده ای نمی شود.
- ۳- تَوَجَّدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي ..... مُحَافِظَةِ ..... إِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ.  
جنگل های زیبایی از درختان بلوط در استان ایلام و لرستان یافت می شود.
- ۴- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ ..... مِئَةِ ..... مِثْرٍ.  
گاهی ارتفاع برخی از درختان سکویا به بیش از ۱۰۰ متر می رسد.
- ۵- تَحْمَلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَائِهِ ..... أَغْصَانِهَا ..... كَالْخُبْزِ.  
درخت نان در انتهای شاخه هایش میوه هایی مانند نان در بر دارد.
- ۶- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى ..... جَذْعِ ..... شَجَرَتِهِ.  
میوه های انگور برزیلی بر تنه ی درختش رشد می کند.

#الدرس\_العالت  
#اختبر\_نفسك  
#عربي\_مشترك\_يازدهم

ارسالی خانم میرزایی ص (۳۰)

اختبر نفسك: ترجم حسب قواعد المعرفة و النكرة .

۱- اللّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ .

خدا نور آسمان ها و زمین است ؛ و صف نورش مانند چراغدانی است که در آن چراغی است ، چراغ در میان قندیل بلورینی (شیشه ای) است ، که آن قندیل بلورین (شیشه ای) گویی ستاره تابانی است .

۲- أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ الْمِزْمَل (۱۶و۱۵)

نزد فرعون ، رسولی فرستادیم پس فرعون از (آن) رسول نافرمانی کرد .

۳- عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ . (رسول الله "ص")

دانشمندی که از علم آن بهر برده می شود از هزار عابد بهتر است .

www.azdoh.com


( در ورزشگاه )

اسماعیل	ابراهیم
بیا به ورزشگاه برویم .	برای دیدن چه مسابقه ای ؟
برای دیدن مسابقه ی فوتبال .	این مسابقه بین کیه ؟
بین تیم صداقت و سعادت است . آن را به یاد می آورم .	دو تیم دو هفته قبل مساوی شدند . آکدام تیم قویتر هست ؟ ( کدام یک از دو تیم )
هر دو قوی هستند . باید به ورزشگاه برویم قبل از اینکه از تماشاچی ها پُر شود .	به چشم . بیا برویم .
در ورزشگاه	
نگاه کن ؛ یکی از مهاجمین تیم صداقت آمد . گلی ثبت خواهد کرد . ( یک گل خواهد زد )	او به سمت دروازه بان سعادت حمله کرد . گل ، گل !
اما داور گل را نپذیرفت ؛ چرا ؟!	شاید به خاطر آفساید . نمی دانم . آه ، خطا
نگاه کن ، حمله ای قدرتمند از جانب بازیکن صداقت .	آفرین ، دروازه بان تیم سعادت مرا خیلی شگفت زده می کند .
ساعت چند است ؟	دو دقیقه به پنج .
داور سوت می زند .	بار دوم بدون گل مساوی شدند .


الدرس\_الثالث  
#عربی\_مشترک\_یازدهم  
# التمرین \_ الأول

ارسالی خانم رحیمی 


♦ ائ کلمة من کلمات مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُناسِبُ التَّوضِيحاتِ التَّالِيَةِ

1  بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلْثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْباً.  
♦ ترجمه : دریایی که تقریباً معادل یک سوم زمین است .


▲ المحيط الهادئ : اقیانوس آرام

2  أَلْتَجَمُّعُ وَ الدَّورَانُ حَوْلَ شَيْءٍ .  
♦ جمع شدن و چرخیدن اطراف چیزی .


▲ التفات : در هم پیچیدن

3  أَلَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْراً طَوِيلاً .  
♦ کسی که خدا به او عمری طولانی می بخشد ( می دهد) .

▲ مُعَمَّرٌ : کهن سال

4  أَلَّذِي يَعْْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ .  
♦ کسی که در مزرعه کار می کند .

▲ مُزَارِعٌ ، فَلَاحٌ ، زَارِعٌ : کشاورز

5  صِفَاتٌ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ .  
♦ صفات کسی یا چیزی .

▲ مُوَاصِفَاتٌ : ویژگی ها



الدرس\_الثالث  
#عربی\_مشترک\_یازدهم  
#التمرین\_الثانی

ارسالی خانم صادقیان ♻️

♦ تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ

1 ما مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعاً أَوْ يَغْرِسُ غَرْساً فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ

♦ ترجمه : هیچ مسلمانی نیست که زراعتی کشت کند یا نهالی بکارد پس پرنده یا انسان یا چارپایی از آن بخورد جز اینکه برای او صدقه باشد.  
▲ جارومجرور : مِنْ مُسْلِمٍ  
▲ اسم فاعل : مُسْلِمٍ

2 ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْساً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ

♦ هیچ مردی نیست که نهالی بکارد جز اینکه خداوند به اندازه آنچه از میوه آن درخت خارج می شود ، برای او از پاداش نویسد (نوشت)  
▲ فعل ماضی : كَتَبَ  
▲ مفعول : غَرْساً ، قَدْرَ

3 سَأَلَ النَّبِيَّ (ص) : أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ ؟ قَالَ : زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ

♦ از پیامبر(ص) سوال شد : کدام مال بهتر است؟  
گفت (فرمود) : زراعتی که صاحبش آن را بکارد.

▲ فعل مجهول : سَأَلَ  
▲ فاعل : صَاحِبٌ

✓ ویرایش شده 20:35

# الدرس\_الثالث  
#عربي\_مشترك\_يازدهم  
#التمرين\_الرابع (ألف)

ارسالی خانم صادقیان 🌱

♦ ألف: عَيَّنُ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ التَّنْكَرَةِ

1 سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا  
♦ ترجمه : صدای عجیبی را شنیدم

2 وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ  
♦ ترجمه : به روستا رسیدم.

3 نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي  
♦ ترجمه : نگاهى به گذشته

4 أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ  
♦ بندگان درستکار

5 السَّوَارُ الْعَتِيقُ  
♦ ترجمه : دستبند كهنه

6 التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ  
♦ ترجمه : تاريخ زرین

اسمُ الفاعِلِ	المَصْدَرُ	فِعْلُ الأَمْرِ	أَفْعَلُ المُضَارِعِ	أَفْعَلُ المَاضِي
المُؤَافِقُ	التَّوْفِيقُ	وَأَفِقْ	يُؤَافِقُ	وَأَفَقَ
المُؤَفِّقُ	المُؤَافِقَةُ	وَفِّقْ	يُؤَفِّقُ	
المُقَرَّبُ	التَّقَرُّبُ	قَرِّبْ	يُقَرِّبُ	تَقَرَّبَ
المُتَقَرَّبُ	التَّقْرِيبُ	تَقَرَّبْ	يَتَقَرَّبُ	
المُتَعَارِفُ	المُعَارَفَةُ	تَعَارَفْ	يَتَعَرَّفُ	تَعَارَفَ
المُعَرِّفُ	التَّعَارُفُ	إِعْرِفْ	يَتَعَارَفُ	
المُسْتَعْمِلُ	الإِشْتِغَالُ	إِسْتَعْمِلْ	يَسْتَعْمِلُ	إِسْتَعْمَلَ
المُنشِئِلُ	الإِشْتِغَالُ	إِنْشِئِلْ	يَسْتَعْمِلُ	

اسمُ الفاعِلِ	المَصْدَرُ	فِعْلُ الأَمْرِ	أَفْعَلُ المُضَارِعِ	أَفْعَلُ المَاضِي
المُتَفَتِّحُ	الإِسْتِفْتَاحُ	إِنْفَتِّحْ	يَفْتَتِّحُ	إِنْفَتَّحَ
المُنْفَتِّحُ	الإِنْفِيتَاحُ	تَفَتَّحْ	يَنْفَتِّحُ	
المُسْتَرْجِعُ	الإِرتِجَاعُ	إِسْتَرْجِعْ	يَسْتَرْجِعُ	إِسْتَرْجَعَ
المُرْجِعُ	الإِسْتِرْجَاعُ	رَاجِعْ	يَرْتَجِعُ	
المُنزَّلُ	النَّزولُ	انزَلْ	يُنزِلُ	نَزَلَ
النَّازِلُ	التَّنْزِيلُ	نَزَلْ	يَنْزِلُ	
الأَكْرَمُ	الإِكْرَامُ	أَكْرِمْ	يُكْرِمُ	أَكْرَمَ
المُكْرِمُ	التَّكْرِيمُ	كْرِمْ	يُكْرِمُ	